



در بیان فواید و آثار این نسخه



بدرست و بی غش و در مطبعه حلیه



[illegible]









خصوصیت است آیه کریمه که در پیشگاه دینی دوم تفکر مستحب و آن نیز بر سه قسم است  
 در صنایع او و آن مورث حکمت است اول آن که در کیفیت خلق السموات و الارض و طبایع  
 و در عجایب و اقسام آن و آن سنای بصیرت است آیه کریمه قد جعل الله لکل شیء  
 قدیر اسوم تفکر در نعمای تازه و الای بی اندازده او و آن مورث محبت است آیه کریمه الذی  
 جعل لكم الارض فراشا و السماویات بناء و انزل من السماء ماء فاجح به من الشجرات ریذا  
 لکم و سوم تفکر واجب و آن بر سه نوع است اول تفکر در افعال خویش و آن موجب  
 تعظیم فرمان عالیشان است و این کان خلقنا باجودا دوم تفکر در عیوب خویش و آن  
 مصدق شکرم است که قال الله تعالی خل عباده عشم ثوابه ان الانسان خلق کفوفا  
 و اذ انساه لشر جزوا و عا و اذ امسه اخر منو عا سوم تفکر در عرض نامنه اعمال و خلایق  
 صحیفه افعال و آن مناشی تحیم است ان الله علیکم بذات الصدور و دیگر می باید  
 شنید مردم طول اهل را تدبیر انکاشته اند و تدبیر را تقریر انداخته کسی را  
 تعمیر الوان چه تدبیر بود و افعلا طون را تقریر فیکلیات چه سود و ثروت لفظی بخیر انجاسم ل  
 کاشتنده آخر از ان کشت چه برداشتنده و خشت عمل نبد که تاجر شدی چه آمدی و باز  
 مسافر شدی ای فرزند و لنذر تدبیر است که در رسای حق تعالی بکوشی تا برقع  
 خجالت نبوشی رعتی اشمنهم و رضعونه و دیگر می باید شنید که آتش عشق  
 چون در دل شعله افروز و زرد یک باشد که خرمن عقل بسوزد و آتش عشق افکند نه زار  
 هوش است به همراهی آن نه کار نبوش است به پس اگر آب اطمینانی برورخته شود  
 آتش کار دانی باشد هم دین است و بهم دولت و چون آن آتش زبانه زد و آبی خوشتران  
 مشکل است عشق تا بحرق ماسوی بشود و هر چه ناپسند که بهر اسن من میبوی آب  
 با هر بهر بهر بن چه پادی به کهای عشق تا نور نبی باجی قلب نزل نصرف ملک را  
 الاله کریمه که

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

[illegible]







۱۲۰۰  
 ۱۲۰۱  
 ۱۲۰۲  
 ۱۲۰۳  
 ۱۲۰۴  
 ۱۲۰۵  
 ۱۲۰۶  
 ۱۲۰۷  
 ۱۲۰۸  
 ۱۲۰۹  
 ۱۲۱۰  
 ۱۲۱۱  
 ۱۲۱۲  
 ۱۲۱۳  
 ۱۲۱۴  
 ۱۲۱۵  
 ۱۲۱۶  
 ۱۲۱۷  
 ۱۲۱۸  
 ۱۲۱۹  
 ۱۲۲۰  
 ۱۲۲۱  
 ۱۲۲۲  
 ۱۲۲۳  
 ۱۲۲۴  
 ۱۲۲۵  
 ۱۲۲۶  
 ۱۲۲۷  
 ۱۲۲۸  
 ۱۲۲۹  
 ۱۲۳۰  
 ۱۲۳۱  
 ۱۲۳۲  
 ۱۲۳۳  
 ۱۲۳۴  
 ۱۲۳۵  
 ۱۲۳۶  
 ۱۲۳۷  
 ۱۲۳۸  
 ۱۲۳۹  
 ۱۲۴۰  
 ۱۲۴۱  
 ۱۲۴۲  
 ۱۲۴۳  
 ۱۲۴۴  
 ۱۲۴۵  
 ۱۲۴۶  
 ۱۲۴۷  
 ۱۲۴۸  
 ۱۲۴۹  
 ۱۲۵۰  
 ۱۲۵۱  
 ۱۲۵۲  
 ۱۲۵۳  
 ۱۲۵۴  
 ۱۲۵۵  
 ۱۲۵۶  
 ۱۲۵۷  
 ۱۲۵۸  
 ۱۲۵۹  
 ۱۲۶۰  
 ۱۲۶۱  
 ۱۲۶۲  
 ۱۲۶۳  
 ۱۲۶۴  
 ۱۲۶۵  
 ۱۲۶۶  
 ۱۲۶۷  
 ۱۲۶۸  
 ۱۲۶۹  
 ۱۲۷۰  
 ۱۲۷۱  
 ۱۲۷۲  
 ۱۲۷۳  
 ۱۲۷۴  
 ۱۲۷۵  
 ۱۲۷۶  
 ۱۲۷۷  
 ۱۲۷۸  
 ۱۲۷۹  
 ۱۲۸۰  
 ۱۲۸۱  
 ۱۲۸۲  
 ۱۲۸۳  
 ۱۲۸۴  
 ۱۲۸۵  
 ۱۲۸۶  
 ۱۲۸۷  
 ۱۲۸۸  
 ۱۲۸۹  
 ۱۲۹۰  
 ۱۲۹۱  
 ۱۲۹۲  
 ۱۲۹۳  
 ۱۲۹۴  
 ۱۲۹۵  
 ۱۲۹۶  
 ۱۲۹۷  
 ۱۲۹۸  
 ۱۲۹۹  
 ۱۳۰۰  
 ۱۳۰۱  
 ۱۳۰۲  
 ۱۳۰۳  
 ۱۳۰۴  
 ۱۳۰۵  
 ۱۳۰۶  
 ۱۳۰۷  
 ۱۳۰۸  
 ۱۳۰۹  
 ۱۳۱۰  
 ۱۳۱۱  
 ۱۳۱۲  
 ۱۳۱۳  
 ۱۳۱۴  
 ۱۳۱۵  
 ۱۳۱۶  
 ۱۳۱۷  
 ۱۳۱۸  
 ۱۳۱۹  
 ۱۳۲۰  
 ۱۳۲۱  
 ۱۳۲۲  
 ۱۳۲۳  
 ۱۳۲۴  
 ۱۳۲۵  
 ۱۳۲۶  
 ۱۳۲۷  
 ۱۳۲۸  
 ۱۳۲۹  
 ۱۳۳۰  
 ۱۳۳۱  
 ۱۳۳۲  
 ۱۳۳۳  
 ۱۳۳۴  
 ۱۳۳۵  
 ۱۳۳۶  
 ۱۳۳۷  
 ۱۳۳۸  
 ۱۳۳۹  
 ۱۳۴۰  
 ۱۳۴۱  
 ۱۳۴۲  
 ۱۳۴۳  
 ۱۳۴۴  
 ۱۳۴۵  
 ۱۳۴۶  
 ۱۳۴۷  
 ۱۳۴۸  
 ۱۳۴۹  
 ۱۳۵۰  
 ۱۳۵۱  
 ۱۳۵۲  
 ۱۳۵۳  
 ۱۳۵۴  
 ۱۳۵۵  
 ۱۳۵۶  
 ۱۳۵۷  
 ۱۳۵۸  
 ۱۳۵۹  
 ۱۳۶۰  
 ۱۳۶۱  
 ۱۳۶۲  
 ۱۳۶۳  
 ۱۳۶۴  
 ۱۳۶۵  
 ۱۳۶۶  
 ۱۳۶۷  
 ۱۳۶۸  
 ۱۳۶۹  
 ۱۳۷۰  
 ۱۳۷۱  
 ۱۳۷۲  
 ۱۳۷۳  
 ۱۳۷۴  
 ۱۳۷۵  
 ۱۳۷۶  
 ۱۳۷۷  
 ۱۳۷۸  
 ۱۳۷۹  
 ۱۳۸۰  
 ۱۳۸۱  
 ۱۳۸۲  
 ۱۳۸۳  
 ۱۳۸۴  
 ۱۳۸۵  
 ۱۳۸۶  
 ۱۳۸۷  
 ۱۳۸۸  
 ۱۳۸۹  
 ۱۳۹۰  
 ۱۳۹۱  
 ۱۳۹۲  
 ۱۳۹۳  
 ۱۳۹۴  
 ۱۳۹۵  
 ۱۳۹۶  
 ۱۳۹۷  
 ۱۳۹۸  
 ۱۳۹۹  
 ۱۴۰۰  
 ۱۴۰۱  
 ۱۴۰۲  
 ۱۴۰۳  
 ۱۴۰۴  
 ۱۴۰۵  
 ۱۴۰۶  
 ۱۴۰۷  
 ۱۴۰۸  
 ۱۴۰۹  
 ۱۴۱۰  
 ۱۴۱۱  
 ۱۴۱۲  
 ۱۴۱۳  
 ۱۴۱۴  
 ۱۴۱۵  
 ۱۴۱۶  
 ۱۴۱۷  
 ۱۴۱۸  
 ۱۴۱۹  
 ۱۴۲۰  
 ۱۴۲۱  
 ۱۴۲۲  
 ۱۴۲۳  
 ۱۴۲۴  
 ۱۴۲۵  
 ۱۴۲۶  
 ۱۴۲۷  
 ۱۴۲۸  
 ۱۴۲۹  
 ۱۴۳۰  
 ۱۴۳۱  
 ۱۴۳۲  
 ۱۴۳۳  
 ۱۴۳۴  
 ۱۴۳۵  
 ۱۴۳۶  
 ۱۴۳۷  
 ۱۴۳۸  
 ۱۴۳۹  
 ۱۴۴۰  
 ۱۴۴۱  
 ۱۴۴۲  
 ۱۴۴۳  
 ۱۴۴۴  
 ۱۴۴۵  
 ۱۴۴۶  
 ۱۴۴۷  
 ۱۴۴۸  
 ۱۴۴۹  
 ۱۴۵۰  
 ۱۴۵۱  
 ۱۴۵۲  
 ۱۴۵۳  
 ۱۴۵۴  
 ۱۴۵۵  
 ۱۴۵۶  
 ۱۴۵۷  
 ۱۴۵۸  
 ۱۴۵۹  
 ۱۴۶۰  
 ۱۴۶۱  
 ۱۴۶۲  
 ۱۴۶۳  
 ۱۴۶۴  
 ۱۴۶۵  
 ۱۴۶۶  
 ۱۴۶۷  
 ۱۴۶۸  
 ۱۴۶۹  
 ۱۴۷۰  
 ۱۴۷۱  
 ۱۴۷۲  
 ۱۴۷۳  
 ۱۴۷۴  
 ۱۴۷۵  
 ۱۴۷۶  
 ۱۴۷۷  
 ۱۴۷۸  
 ۱۴۷۹  
 ۱۴۸۰  
 ۱۴۸۱  
 ۱۴۸۲  
 ۱۴۸۳  
 ۱۴۸۴  
 ۱۴۸۵  
 ۱۴۸۶  
 ۱۴۸۷  
 ۱۴۸۸  
 ۱۴۸۹  
 ۱۴۹۰  
 ۱۴۹۱  
 ۱۴۹۲  
 ۱۴۹۳  
 ۱۴۹۴  
 ۱۴۹۵  
 ۱۴۹۶  
 ۱۴۹۷  
 ۱۴۹۸  
 ۱۴۹۹  
 ۱۵۰۰  
 ۱۵۰۱  
 ۱۵۰۲  
 ۱۵۰۳  
 ۱۵۰۴  
 ۱۵۰۵  
 ۱۵۰۶  
 ۱۵۰۷  
 ۱۵۰۸  
 ۱۵۰۹  
 ۱۵۱۰  
 ۱۵۱۱  
 ۱۵۱۲  
 ۱۵۱۳  
 ۱۵۱۴



از زمان چون باز بنگ دنی بود و دهن مادر نیاست کی بود فاذ انقرنی الناقور فکلمت  
یوم حسیر عیسا **بیشید** فقیر است که تو اگر باشد و تو اگر نیست که بسوی اقمه رزم سپید  
پس سوزشی که غم نانی دارد تو اگر است و سلطانیکه خراج از صافی بتانگد اسی در یوزه گر  
تو گری نبود مال دیگران رخ رون بظربان گدائی تو اگر ان گزند و غبار و دست  
اول غنای مال آن بر سه گونه است آنچه از حال آری محنت است و آنچه از حال آری محنت است  
و آنچه از قدر و احتیاج افزون شود و عقوبت است و مغم غنای مال آن نیز بر سه چیز است که قنای از دنیا  
بهر خواهد مرادی از بهشت خوشتر طلبید اگر اسگاهی از زمین آسمان گیر جوید علامت آن  
خوشنودیت و ظاهر باطن عیسا **بیشید** آدمی برانگشود که سپاهی از دلش برود و سپاه  
از موهای بر حال سیکه مویش سپید شود و لبش سیاه ماند و ظاهر باطن عیسا **بیشید** آدمی برانگشود که سپاهی از دلش برود و سپاه  
بازیت کن بحال خویش نگاه ده مو اگر شد ترا چو تار سفید چو شدار و دل بوجو ترا سیاه چو شدار  
عقوبت شتر بندگی حصیان از حرارت و فرخ سوزان سخت تر است و علامت شد و رضا از  
لو تریخت الیاد شیرین تر از امل **بیشید** مشغول کن با بخت و امل **بیشید** مشغول کن با نیاز کو امل  
مشغول کن بی **بیشید** از برای بهشت است بندگی مارا ده که دوستی بود انجان کلام مذکور  
می **بیشید** آدمی چون بر عیوب ظاهر و باطن خود نظر افتد زبانش از عیب  
بیران گویا گردد و زبانش عیب بگیران آنرا دراز شود که خود را بی عیب نگارد خود را  
عیب آنکس نبرد که صاحب جمل مرکب باشد مشغول می و می باشد زبانشان نو بهار  
اشتم پاکیزه و می در کنار و در چین من بودم دیدار او در فارغ از هر قریب برشت خویش  
ن بودم و ولد او بود و لیکه زبانش بر رم سیدار بود و گفته ای که خدا را چشمش تابان  
یست نداده نوش کی به بیابا کی کنه بوس کنده چو زبانش پیش سر آینه دانه گفت  
بت کرد و یازده از شمار اهل بیکانه بله ما بگشتن خبر ما را می بیند چو متوجه عیباتی و  
سرب ما شرب بنام شرب است و در اوقات ماکه رگوتی و در حسین بر نیک بدیدار

از تو شمعین بپوشد بزمین  
 سدا کی گمان حاجت دار  
 باوش که از تاسم غایب  
 که دست تو گم نام معلوم  
 که پیر گران و جوان  
 عشق ابدین ماضی  
 که در جان می زند  
 عشق که کسب  
 نفس شکر از طرب  
 صفت شکر نایاب  
 خست مشغول اندیشه

خوش بختانه از بهر بخشش و وفاداری  
 من متوجه این منتهی کائنات  
 سوی غور استلگاری بود رجعت  
 بهشت کارزار از راه  
 قوله تا از بهای بهشت است  
 یعنی عبادت و ریاضت و بهرین  
 تا که گستره را که در روز قیامت  
 بخت از بهر خاندان است  
 بهر ستم و ستم و ستم  
 و بهر ستم و ستم و ستم  
 و بهر ستم و ستم و ستم  
 و بهر ستم و ستم و ستم

[illegible]







هر دو شفقت کنی نه بهره گرد و خوشتر است بصیانت کائنات و فی الجمله با صی  
 دل تو به نیکند ز عصیان یکم نه ندم نشین طفل نادان چنانچه به وقت گویم که تو نصیحت  
 کنی به تقصیرست نام شیطان چنانچه می باید شنیدی از اوقات ساعتی که بی یاد خدا گذشت  
 مرست از غم نادان که او ابرگر بسپار باشد و سپهر انجم البیدی هست موقت را شتبی نه غم  
 چشم کشا و احوال خویش خواب گران اجل بدید پیش به روز تو در فک طعم و شراب به شب  
 همه در خواب و چون دلبسته بر سر رختی و ابله شدی به فافله چون رفت تو گمراه شدی  
 فافله رفت تو بخوابی هنوز به بخودی دست شری می هنوز به می باید شنیدی اهل ضلالت  
 چون متوجه نیک به خود نشوند تعرض احوال دیگران بهم نکنند آیه که می آید از روزگار و تر  
 آخری و از آنکه نشان است خسودی و حال و خاموشی زبان و حفظ قلب و سواس  
 نظر ما را به حال بنده او به با گریه او خنده او به ناسیم حال خود گرفتار به ما را به حال دیگران کا  
 عیال به شکر انسانی که تمنائی قانع نشود و درین کوشان به جزانی صابر نباشد جاودا بر  
 تقصیر باید داد و انسان کامل نکست که باوصاف جادوی موصوف باشد و شری استیلا از جاد  
 بیاموزد و مراتب ضار از آن کندین زیرا که اگر سختی از رنگ بهر شند تا از آب بهر گنجی بگذراند  
 پس داند بهر گنجی بنگیند و هرگز از اجزاحت در دست و به حصول گنج فراوان خرسند و بقیه آن  
 اندوه نند نشود و این اكمال مشربلیم گویند پس به ننگ است اینکه با این همه وسائط در شرا  
 ندگی بنگ بهر توانی رسید چکونه گویند ای آدمی که انسانی اگر محسن عبادین بنگ بهر  
 زنی عیال به شکر که نماز گذار را بهر اب خوار نظر حقارت نباید کرد که بگوید ای زوی  
 طاعت ظاهر شرط نیست و در داو گناه لازم فی آیه که می عیب و قولی آن جاده الا غی  
 من بیند انهم رضای دوست را نه از آنکه می بینیم حرم و دوست و به خوف  
 مورث کشایش باطن است و موجب بخشایش آیه که می آید و انکاش خوف مقام رب  
 و نه نفس عن الهوی فان تجتنبه سی الما و سید واری سبب

سنت احمد بن حنبل ۱۲

[illegible]

انج کل بعض بہائیوں کا رخا نہ وارون فی اسید نفع و ضرر کی نفع بخش حقیقی سی قطع کی حمایت اگر یہ  
 جبل امتین اپنی منفعت کا سمجھا ہی اور بعض اہل معیوب شرعی اور عقلی کو طبیب خاطر اختیار فرمایا ہے  
 تفصیل و سکی یہ ہے کہ قلع و کفری خیر و شر کا اکثر و اکثر سی اعراض کر کے مقبضائی ہوا و وہیں نقصان  
 کے اکثر کتب قدیمہ و جدیدہ کو کہ شہرت افونکی باعث رونق اسلام و موجب رواج عقاید حاکم  
 کے ہے جلت حقوق نصیب و تفسی و تفسیر کی رشتہ کی کرنا شروع کیا ہے تاکہ وہ  
 کتاب دوسری جگہ نہ چھپ جائے ہی گرم بازاری رہی اگر خیر یا مضر مصالح معاش کی حق میں خوب  
 پر ونداری کو معیوب ہی اس لیے کہ رشتہ کی کرانی سے کتب نہ نہ بکے یہ ہمیں گے دیکھنے  
 کو کہ ترہم ہونچین گے مسلمان بہائیوں کو زیادہ میت سی کہ لازم قلت مبع ہی استفادہ اون  
 کتابوں سے مشکل ہوگا فیض کثیر خیر جاری کیسے موقوف و باطل ہوگا اور یہ شمار ونداری نہیں کہ  
 اپنے فائدہ قلیل موجود کی نیلے فائدہ عام بزاوان اسلام کو موقوف کریں اور تمام مسلمان  
 بہائیوں کو فیض علوم دینی سے محروم کہیں ایسا امر اختیار کرنا غلط کی نزدیک نہایت مذموم ہی  
 اور استہجان اسکا قرآن شریف سی ہی معلوم ہی مصالح و خیر و مقصد اہم اسی کے بیان میں ہے  
 شیعوں اہل اہم انہیں کے شان میں نفع دنیا پر ضرر آخرت قبول کرنا عام مسلمانوں قلیل المعاش  
 کو عجم فیض سے محروم کرنا ونداری سی بہت مجید ہے کیا نہیں جانتے کہ ایسے شخص  
 کی حق میں کیا کیا و عید ہے مقبضائی تقویٰ اور ونداری یہی کہ کثرت کتب دین سے مسرو  
 ہوں خود ہی کثیر و از رانی میں ہی کریں کہ خدا ہی ماجور ہوں زیادہ اگر توفیق رفیق ہو رسایل خد کتب  
 اسلام قرآن شریف خیر الکلام چہو اگر لکھتے تقسیم کریں اکتساب نافع عظیم کریں اور اگر یہ نہیں ہو سکتا  
 تو کیا ضروری کہ مانعین خیر میں داخل ہوں اور مشنکین دین میں شامل ہوں اور رشتہ کی سی جواہر  
 سمجھیں میں رحم باطل ہی محض بیفائدہ لا حاصل ہے جو شخص اس ملت ذمہ سی مطلع ہوگا اوس  
 کتاب کی سول یعنی سی مایہ کینچیکا مسلمان نیک و فطرت ہو کی ندرت اس خیال خام کی صورت ہی کی اگر  
 فائدہ اپنا بعنوان احسن منظور بنا تو وہ امر کرتی کہ اپنا مطلب حاصل ہو فیض خیر باطل نہوتا مثلاً ایسا نہوڑا نفع  
 لاکت پر مقرر کرتی کہ دوسرا بچا پ سکتا آپ ہی چاہتی ہر مسلمان از الی قیمت سی آپ کی خیر خواہی کا دم  
 اگر خیر رشتہ کی جو کہ کوثر و جلال ظاہر ہی پران کی فہم و ادراک سی باہر ہی بخجائی جبکہ لکھی ہی و نصیم اسکی عجب  
 آپ نہیں سمجھتی و جو لوگ کہتی ہیں وہ ہی نہیں سنتی چونکہ الدین النصیجہ واروی ہم مقبضائی اخوت  
 اسلامی کی کہتی ہیں اگر مقبول ہو ہم ہی احقر و ثواب کریں مطلب حصول ہو و علینا الا البلاغ محنت

ج. ا. م. م. م.

حضرت امیر المومنین و امام المصطفیٰ و محبوب الدین  
 اسد الدین عارف علی بن ابی طالب علیه السلام ازین محفل و کلمه نذر توبه  
 نیک علی السلام اختیار کرده ام و هر روز سه نوبت در آن کامل فرمایم  
 خواص بسیار و از احادیث کلمه اول که حضرت حق جل و علاه مابعد  
 از این شریف فرزند آدم نترس از فوت و انقضا ما درم از خزانم باقیست و در این  
 من بیتی و کلماتی که هم آنکه در فرزند آدم مرسوم بود و اگر وسطا بیاست  
 و حاکم من باقیست و هم که در فرزند آدم اجابت شد و صراط مستقیم و سبیل  
 هدایت که در فرزند آدم همست و هدایت که در فرزند آدم

کلمه چشم افروزند آدم ز دوستی فراموش نمودم و از صراحت گذشته با کلمه چشم افروزند آدم ترا  
 قدرت خود از نظره عدله و محضه آفریدم و در آفریدن تو عاقلانم مگر قدرت خود را محضند از همه  
 بخوشم از آنکه روز بخورسانم چرا از غرض منطبق که منقسم بکلمه افروزند آدم همه شبها از همه تو در همه عباد  
 آفریدم و تو خود را در فرج کرده که می توانی دیدم و خود را از من و در مدارج کلمه چشم افروزند آدم  
 تو هر یک از من نفس خود را غلبه کن بر نفس خود از من کلمه نه بکلمه افروزند آدم همه ترا

برای فسخ و بر تراضی از برای نفس و نواز از نگذرد کلمه و کلمه ای که  
ایورن آدم راست بر تو ز ایش و تراست بهین روز بر سر فک و آرام و قوت  
در ز ایش و ز غفلت گنم و روز و کلمه یادم کلمه ایورن آدم تو طلب رزق  
از کلمه خواجه من طلب و دوازده نم کلمه و دوازده نم کلمه ایورن آدم اگر تو را  
خبر که روز تو کلمه ام در رات افین و شوده نور بهی و اگر الفی تو شمس کلمه ام  
و نیار تا نماز او بدین کلمه و السلام









و هو من اهل البيت و من شيوخنا و من اولادنا و من اولادنا

عصای شافیه جلد اوله  
جلد اوله  
جلد اوله  
جلد اوله

ف در آب سارتر غایت صاف و لطیف هم صاف نموده و قتی که تیره ماند مالیده زخا  
ن بکشد فوهم کردند نام بجور الصابون

